

آیا معاویه غیر مسلمان از دنیا رفت ؟ آیا معاویه در تابوتی از آتش جهنم است ؟

توضیح سوال :

آیا روایت «بلاذری» در مورد معاویه... که فرموده کافر می میرد یا در در تابوتی در قعر جهنم می باشد، سندش صحیح است؟

پاسخ :

هر دو روایت دارای سند صحیح می باشد که لازم است قبل از بررسی شرح حال تک تک راویان، به نظر علمای اهل سنت پیرامون کتاب «انساب الأشراف» می پردازیم:

تمجید علمای اهل سنت از کتاب انساب الاشراف

أبي جرادة عقيلي:

وي در تعريف و تمجيد از شخصيت بلاذري و همچنين كتاب انساب الأشراف چنین می نویسد:

وقيل أبو جعفر، وقيل أبو الحسن، البلاذري البغدادي الكاتب، كاتب، أديب، شاعر، مصنف، له كتب حسنة (116- ظ) منها كتاب «أنساب الأشراف» وهو كتاب ممتع كثير الفائدة والنعف ومات ولم يتمه؛ وكتاب «البلدان وفتوحها وأحكامها» وهو أيضا كتاب كثير الفوائد.

دو کتبه برای بلاذری ذکر کرده اند یکی ابو جعفر و دیگری ابو الحسن. بلاذری بغدادی، نویسنده و ادیب و شاعر و اهل تالیف است. کتاب های خوبی دارد، از جمله ی آن ها کتاب "انساب الاشراف" است که کتاب بسیار پرفایده ای است. وی از دنیا رفت در حالی که کتابش را تمام نکرده بود و کتاب "البلدان و فتوحها و احکامها" هم کتاب بسیار پرفایده ای است. کمال الدین عمر بن أحمد بن أبي جرادة (متوفای 660هـ)، بغية الطلب في تاريخ حلب، ج3، ص1219، تحقیق: د. سهیل زکار، دار النشر: دار الفكر.

حاجي خليفه:

حاجي خليفه از علمای اهل سنت در تائید کتاب انساب الاشراف چنین می نویسد:

أنساب الأشراف : لأبي الحسن: أحمد بن يحيى البلاذري ... وهو: كتاب كبير، كثير الفائدة.

انساب الاشراف، نوشته احمد بن يحيى بلاذري... كتابي بزرگ و پرفایده است.

القسطنطيني الرومي الحنفي، مصطفى بن عبدالله (معروف به حاجي خليفه) (متوفای 1067هـ)، كشف الظنون عن أسامي الكتب والفنون، ج 1 ص 179، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1413 - 1992.

صديق حسن خان قنوجي:

صديق حسن خان قنوجي از علمای معاصر اهل سنت نیز در تعريف و تمجيد از كتاب انساب الاشراف بلاذري چنین می نویسد:

منها: أنساب الأشراف لأبي الحسن أحمد بن يحيى البلاذري وهو كتاب كبير كثير الفائدة.

از جمله ی کتاب های علم انساب، کتاب انساب الاشراف بلاذری است که کتابی بزرگ و پرفایده است.
القنوجی البخاری، أبو الطیب السید محمد صدیق خان بن السید حسن خان (متوفای 1307هـ)، أبجد العلوم الوشی المرقوم فی بیان أحوال العلوم، ج 2 ص 114، تحقیق: عبد الجبار زکار، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1978م.

کتبی:

وی نیز از دیگر علمای اهل سنت، پیرامون شهرت کتاب انساب الاشراف چنین می نویسد:

وله من الکتب کتاب البلدان الصغیر کتاب البلدان الکبیر ولم یتم کتاب جمل أنساب الأشراف وهو کتابه المعروف المشهور کتاب الفتوح.

از جمله کتب او، کتاب البلدان الصغیر و کتاب البلدان الکبیر می باشد ولی او کتاب جمل انساب الاشراف را که کتاب معروف و مشهور اوست، کامل نکرد؛ این کتاب پیرامون فتح ها است.
الکتبی، محمد بن شاکر بن أحمد (متوفای 764هـ) فوات الوفیات، ج 1 ص 191، تحقیق: علی محمد بن یعوض الله/عادل أحمد عبد الموجود، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى 2000م.

صفدی:

صفدی نیز پیرامون شهرت کتاب وی می نویسد:

وله من الکتب کتاب البلدان الصغیر کتاب البلدان الکبیر ولم یتم کتاب نسب الأشراف وهو کتابه المعروف المشهور به کتاب الفتوح.

و کتاب های او: البلدان الصغیر و کتاب البلدان الکبیر است و کتاب جمل انساب الاشراف را که کتاب معروف و مشهورش می باشد، تمام نکرد کتابی که به فتوح می پردازد.
الصفدی، صلاح الدین خلیل بن أبیک (متوفای 764هـ)، الوافی بالوفیات، ج 8 ص 157، تحقیق أحمد الأرناؤوط وترکی مصطفی، ناشر: دار إحياء التراث - بیروت - 1420هـ - 2000م.

اکرم بن ضیاء العمری:

اکرم بن ضیاء العمری نیز در تعریف و تمجید کتاب انساب الاشراف می نویسد:

و یعد البلاذری أبرز المؤرخین المسلمین بعد الطبری من حیث سعة المعلومات التي دونها والفترات التاريخية التي غطاها، لكن کتابه (أنساب الأشراف) أحسن انتقاء للروایات وأنقى أسانید وأكثر اتفاقاً مع روایات أهل الثقة والصدق من تأریخ الطبری. و بلاذری بعد از طبری از جهت وسعت معلوماتی که تدوین کرده و دوره های تاریخی که به آن پرداخته از بزرگ ترین مورخین مسلمانان است و اما کتاب انساب الاشراف وی نسبت به تأریخ طبری، روایات را بهتر گزینش نموده از جهت اسانید معتبرتر و با روایات اهل صداقت و راستی برگزیده موافق تر است.

العمری، اکرم بن ضیاء، عصر الخلافة الراشدة محاولة لنقد الروایة التاريخية وفق منهج المحدثین، ج 1 ص 15، دار النشر: مكتبة العبيکان - الرياض، الطبعة: الأولى، 1430 هـ - 2009 م.

بررسی روایت :

در این مجال پس از ذکر روایت، به بررسی راویان آن می پردازیم.

روایت اول:

وحدثني إسحاق ويكر بن الهيثم قالا حدثنا عبد الرزاق بن همام أنبأنا معمر عن ابن طاوس عن أبيه عن عبد الله بن عمرو بن العاص قال: كنت عند النبي صلى الله عليه وسلم فقال: يطلع عليكم من هذا الفج رجل يموت على غير ملتي، قال: وكنت تركت أبي قد وضع له وضوء، فكنت كحابس البول مخافة أن يجيء، قال: فطلع معاوية فقال النبي صلى الله عليه وسلم: هو هذا.

عبد الله بن عمرو بن العاص می گوید نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم که ایشان فرمودند: فردی بر شما ظاهر می شود که بر غیر ملت من [اسلام] می میرد. [عبد الله بن عمرو بن العاص] می گوید: من برای پدرم آب وضو آماده کرده بودم و مانند کسی که ادرار خود را بسیار نگه داشته، به شدت مضطرب بودم؛ از ترس اینکه مبادا پدر من از آن شکاف بیرون بیاید. عبد الله بن عمرو بن العاص می گوید: معاویه آمد و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: این شخص همان است [که بر خلاف ملت من، کافر می میرد].

أنساب الأشراف، ج 2 ص 120، اسم المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري (المتوفى: 279هـ) الوفاة: 279، دار النشر: طبق نرم افزار الجامع الكبير.

بررسی سند:

أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري

ابن سعد:

محمد بن سعد در مورد شخصیت بلاذري نویسنده این کتاب چنین می نگارد:

أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري (ت 279هـ) المؤرخ المعروف، صاحب (فتوح البلدان) و (أنساب الأشراف).

أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري متوفاي سال 279 هجري قمری، مورخ معروف و صاحب کتاب فتوح البلدان و انساب الاشراف است.

أبو عبد الله محمد بن سعد بن منيع الهاشمي بالولاء، البصري، البغدادي المعروف بابن سعد (المتوفى: 230هـ)، الطبقات الكبرى، القسم المتمم لتابعي أهل المدينة ومن بعدهم، ص 53، دار النشر: مكتبة العلوم والحكم - المدينة المنورة، الطبعة: الثانية، 1408.

شمس الدين ذهبی:

شمس الدين ذهبی از علمای بزرگ اهل سنت پیرامون شخصیت بلاذري چنین می نویسد:

البَلَاذِرِيُّ أَبُو بَكْرٍ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ جَابِرٍ: الْعَلَمَةُ، الْأَدِيبُ، الْمُصَنِّفُ، أَبُو بَكْرٍ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ جَابِرِ الْبَغْدَادِيِّ، الْبَلَاذِرِيُّ، الْكَاتِبُ، صَاحِبُ (التَّارِيخِ الْكَبِيرِ).

بلاذري؛ ابوبکر، احمد بن يحيى بن جابر علامه و اديب و مصنف است. ابوبکر احمد بن يحيى بن جابر بغدادی بلاذري، نویسنده کتاب تاریخ الكبير می باشد.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفای 748 هـ)، سير أعلام النبلاء، ج 13، ص 162، تحقیق: شعيب الأرناؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: التاسعة، 1413هـ. .

وي همچنین در جای دیگری از سير اعلام النبلاء می نویسد:

فَأَمَّا الْبَلَاذُرِيُّ الْكَبِيرُ، فَهُوَ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى صَاحِبُ (التَّارِيخِ الْكَبِيرِ) حَافِظُ أَخْبَارِيٍّ عَلَّامَةٌ، أَدْرَكَ عَفَّانَ بْنَ مُسْلِمٍ وَمَنْ بَعْدَهُ، يُعَدُّ مِنْ طَبَقَةِ أَبِي دَاوُدَ (صَاحِبِ السُّنَنِ).

پس بلاذري بزرگ، او احمد بن يحيى صاحب کتاب تاریخ الكبير می باشد. او حافظ، اخباري و علامه می باشد. او عفان بن مسلم و بعد از او را درک کرده و هم طبقه با ابي داود نویسنده سنن [ابي داود] شمرده می شود.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفای 748 هـ)، سير أعلام النبلاء، ج 16، ص 36، تحقیق: شعيب الأرناؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: التاسعة، 1413هـ. .

صفدي:

صفدي شافعي نیز بلاذري را چنین می ستايد:

وَكَانَ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ جَابِرٍ عَالِمًا فَاضِلًا شَاعِرًا رَاوِيَةً نَسَابَةً مَتَقْنًا.

و احمد بن يحيى بن جابر [بلاذري] عالم و فاضل و شاعر و راوي و نسب شناس و فردي متقن [در حديث مستحکم] بود. الصفدي، صلاح الدين خليل بن أيبك (متوفای 764هـ)، الوافي بالوفيات، ج 8، ص 156، تحقیق أحمد الأرناؤوط وتركي مصطفى، ناشر: دار إحياء التراث - بيروت - 1420هـ - 2000م.

ياقوت حموي:

ياقوت حموي، پيرامون شخصيت بلاذري چنین می نکارد:

وكان أحمد بن يحيى بن جابر عالما فاضلا شاعرا راوية نسابه متقنا.

و احمد بن يحيى بن جابر [بلاذري] عالم و فاضل و شاعر و راوي و نسب شناس و فردي متقن [در حديث مستحکم] بود. الرومي الحموي، أبو عبد الله ياقوت بن عبد الله، معجم الأدباء أو إرشاد الأريب إلى معرفة الأديب، ج 2 ص 50، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى 1411 هـ - 1991م.

سيوطي:

جلال الدين سيوطي نیز جلالت بلاذري را چنین می ستايد:

وَالْكَبِيرُ: أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى صَاحِبُ التَّارِيخِ فِي طَبَقَةِ أَبِي دَاوُدَ السَّجِسْتَانِي حَافِظُ أَخْبَارِي عَلَّامَةٌ.

[سيوطي از بعد از نقل شرح حال بلاذري صغير چنین می نیوسد] بلاذري كبير، احمد بن يحيى صاحب تاريخ و در طبقه ابو داود سجستاني قرار دارد. او فردي حافظ احاديث [حافظ صد هزار حديث]، حديث شناس و علامه بود.

السيوطي، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفای 911هـ)، طبقات الحفاظ، ص 366، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1403هـ. .

راوی اول:

إسحاق بن منصور بن بهرام

وی از روایان صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ترمذی، سنن نسائی و سنن ابن ماجه می باشد و بر اساس مبناي اهل سنت، نیازی به بررسی ندارد زیرا طبق مبناي اهل سنت، هر راوی که بخاری و مسلم از او روایت نقل کرده باشند، نیازی به بررسی ندارد.

این حجر چنین می نویسد:

قال ابن حجر: وقد نقل ابن دقيق العيد عن ابن المفضل وكان شيخ والده انه كان يقول فيمن خرج له في الصحيحين هذا جاز القنطرة.

ابن حجر می گوید: ابن دقیق العید از ابن مفضل که استاد پدرش بوده نقل می کند که او در مورد کسانی که در صحیحین آمده اند می گفت: «او از پل عبور کرده است»

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفای 852 هـ)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج 13، ص 382، تحقیق: محب الدین الخطیب، ناشر: دار المعرفة - بیروت.

ابن قیم جوزیه نیز می نویسد:

ورجال الصحيحين قد جاوزوا القنطرة فلا التفات الي كلام من تكلم فيهم بما يقتضي رد حديثهم.

روایان صحیح بخاری و مسلم از پل گذشته اند (یعنی توثیقشان قطعی است) و به سخن کسانی که در مورد آن ها چیزی گفته اند و در وثاقتشان تردید کرده اند، توجه نمی شود.

ابن قيم الجوزية، محمد بن أبي بكر أيوب الزرعي أبو عبد الله، رفع اليدين في الصلاة، ص 240 دار النشر: دار عالم الفوائد.

اما با این حال به ذکر نظرات برخی از علمای اهل سنت نسبت به شخصیت او می پردازیم.

ابن حجر عسقلانی در مورد او می نویسد:

إسحاق بن منصور بن بهرام الكوسج أبو يعقوب التميمي المروزي ثقة ثبت.

إسحاق بن منصور بن بهرام الكوسج أبو يعقوب التميمي المروزي فردي مورد وثوق و ثابت مي باشد.

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفای 852 هـ)، تقريب التهذيب، ج 1 ص 103، تحقيق: محمد عوامة، ناشر: دار الرشيد - سوريا، الطبعة: الأولى، 1406 - 1986.

مزی نیز در شرح حال وی می نویسد:

خ م ت س ق : إسحاق بن منصور بن بهرام الكوسج ، أبو يعقوب التميمي المروزي ، نزيل نيسابور... قال مسلم : ثقة مأمون ،

أحد الائمة من أصحاب الحديث. وَقَالَ النَّسَائِي : ثقة ثبت. وَقَالَ أَبُو حَاتِم : صدوق.

بخاری و مسلم و ترمذی و نسائی و ابو داود: إسحاق بن منصور بن بهرام الكوسج ، أبو يعقوب التميمي المروزي در نیشابوری ساکن شد... مسلم می گوید: وی فردی مورد اعتماد، امین، و در میان اصحاب حدیث وی یکی از امامان حدیث به شمار می رفت. نسائی گفته است که او فردی مورد اعتماد و ثابت بود و ابو حاتم نیز او را فردی راستگو می شمرد.

المزي، ابوالحجاج يوسف بن الزكي عبدالرحمن (متوفای 742 هـ)، تهذيب الكمال، ج 2 ص 474، تحقيق: د. بشار عواد معروف، ناشر:

مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى، 1400 هـ - 1980 م.

ابن حبان نیز او را جزو ثقات بر شمرده است:

إسحاق بن منصور بن بهرام التميمي الكوسج كنيته أبو يعقوب من أهل مرو .

إسحاق بن منصور بن بهرام التميمي الكوسج كنيته أبو يعقوب بوده و از اهالی مرو بود.

التميمي البستي، ابوحاتم محمد بن حبان بن أحمد (متوفى 354 هـ)، الثقات، ج 8 ص 118 ، تحقيق السيد شرف الدين أحمد، ناشر: دار الفكر، الطبعة: الأولى، 1395هـ - 1975م.

سيوطي نیز چنین می نویسد:

إسحاق بن منصور بن بهرام الكوسج أبو يعقوب التميمي المروزي ... قال مسلم ثقة مأمون أحد الأئمة من أصحاب الحديث وقال الحاكم أحد الأئمة من الزهاد والتمسكين بالسنة.

إسحاق بن منصور بن بهرام الكوسج أبو يعقوب التميمي المروزي ... مسلم مي گوید: فردي مورد اعتماد، امين، يکي از ائمه از اصحاب حديث بود. حاکم گفته است: او يکي از ائمه زاهد و از کسانی بود که به سنت تمسک کرده بود.
السيوطي، جلال الدين أبو الفضل عبد الرحمن بن أبي بكر (متوفى 911هـ)، طبقات الحفاظ، ج 1 ص 233 ، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، 1403هـ .

راوي دوم:

عبد الرزاق بن همام بن نافع

وي نیز از روات صحاح سته اهل سنت می باشد.

ابن حجر در مورد شخصیت او می نویسد:

عبد الرزاق بن همام بن نافع الحميري مولاهم أبو بكر الصنعاني ثقة حافظ مصنف شهير.

عبد الرزاق بن همام بن نافع الحميري آزاد شده قبيله حمير، ابوبکر صنعاني فردي مورد اعتماد، حافظ و نویسنده مشهوری بود.

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى 852هـ)، تقريب التهذيب، ج 1 ص 354 ، تحقيق: محمد عوامة، ناشر: دار الرشيد - سوريا، الطبعة: الأولى، 1406 - 1986.

ابي حاتم نیز او را در الثقات نقل می کند:

عبد الرزاق بن همام بن نافع الحميري الصنعاني.

التميمي البستي، ابوحاتم محمد بن حبان بن أحمد (متوفى 354 هـ)، الثقات، ج 8 ص 412 ، تحقيق السيد شرف الدين أحمد، ناشر: دار الفكر، الطبعة: الأولى، 1395هـ - 1975م.

حاکم نیشابوري به نقل از محمد بن إسماعيل الصراري، چنین نقل می کند:

فخرجت من صنعاء إلى مكة فوافقت بها يحيى بن معين وقلت له يا أبا زكريا ما الذي بلغنا عنكم في عبد الرزاق فقال ما هو فقلنا بلغنا انكم تركتم حديثه ورغبتم عنه فقال يا أبا صالح لو ارتد عبد الرزاق عن الإسلام ما تركنا حديثه.

از صنعاء به سمت مکه از شهر خارج شدم که با يحيي بن معين برخورد کردم و به او گفتم: اي ابا زکريا در مورد عبدالرزاق از طرف شما به ما خبر هايي رسیده است. او گفت چه چيزي؟ گفتم: به ما خبر رسیده که شما حديث عبدالرزاق را ترک

کرده اید و از اعراض کرده اید. یحیی بن معین به من گفت: ای ابا صالح اگر عبدالرزاق مرتد هم شود، ما حدیثش را ترک نخواهیم کرد.

الحاکم النیسابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (متوفای 405 هـ)، معرفة علوم الحدیث، ج 1 ص 139، تحقیق: السید معظم حسین، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الثانية، 1397 هـ - 1977 م.

راوی سوم:

معمر بن راشد

وی نیز از روایان کتابهای شش گانه اصلی اهل سنت [صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ترمذی، سنن ابو داود، سنن نسائی و سنن ابن ماجه] می باشد.

ابن حجر عسقلانی پیرامون او می نویسد:

معمر بن راشد الأزدي مولاہم أبو عروة البصري نزيل اليمن ثقة ثبت فاضل.

معمر بن راشد الأزدي آزاد شده قبیلہ ازد، أبو عروة البصري ساکن یمن بود، او فردی مورد اعتماد، استوار و فاضل بود.

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفای 852 هـ)، تقریب التهذیب، ج 1 ص 541، تحقیق: محمد عوامة، ناشر: دار الرشید - سوریا، الطبعة: الأولى، 1406 - 1986.

عجلی کوفی نیز در مورد او می نویسد:

معمر بن راشد یکنی ابا عروة بصری ساکن اليمن ثقة رجل صالح.

معمر بن راشد کنیه اش ابا عروة بصري؛ ساکن یمن فردی مورد اعتماد و مردی صالح و نیکو بود.

العجلی، أبي الحسن أحمد بن عبد الله بن صالح (متوفای 261 هـ)، معرفة الثقات من رجال أهل العلم والحدیث ومن الضعفاء وذكر مذاهبهم وأخبارهم، ج 2 ص 290، تحقیق: عبد العليم عبد العظيم البستوي، ناشر: مكتبة الدار - المدينة المنورة - السعودية، الطبعة: الأولى، 1405 - 1985 م.

ابن حبان نیز او را جزو ثقات درج کرده است:

معمر بن راشد مولى.

التمیمی البستی، محمد بن حبان بن أحمد ابوحاتم (متوفای 354 هـ)، الثقات، ج 7 ص 484، تحقیق: السید شرف الدین أحمد، ناشر: دار الفكر، الطبعة: الأولى، 1395 هـ - 1975 م.

ذهبی نیز از وی به عنوان امام و احد الاعلام یاد می کند:

معمر بن راشد الامام الحجة أبو عروة الأزدي مولاہم البصري أحد الاعلام وعالم اليمن.

معمر بن راشد أبو عروة الأزدي اهل بصره و آزاد شده ی قبیلہ ازد بود. او امام و حجت و یکی از بزرگان و عالم یمن بود.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفای 748 هـ)، تذكرة الحفاظ، ج 1 ص 190، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى.

ذهبی همچنین تصریح می کند اگر کسی امام باشد، به کلام دیگران در مورد او توجیهی نمی شود:

لكن إذا ثبتت إمامة الرجل وفضله، لم يضره ما قيل فيه.

لكن اگر امامت و فضل فرد ثابت شود آنچه در مورد او گفته شده شنیده نمی شود.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى 748 هـ)، سير أعلام النبلاء، ج 8 ص 448، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: التاسعة، 1413هـ.
در کتاب رجال صحیح مسلم نیز در مورد شخصیت معمر آمده است:

معمر بن راشد ... وكان فقيها متقنا حافظا ورعا.

معمر بن راشد او فردي فقيه، متقن و استوار، حافظ حديث و با تقوا بود.

الأصبهاني، أبو بكر أحمد بن علي بن منجويه، (متوفى: 428هـ) رجال صحیح مسلم، ج 2 ص 227، تحقيق: عبد الله الليثي، دار النشر: دار المعرفة - بيروت، الطبعة: الأولى، 1407 هـ .

ذهبي نیز در شرح حال او مي نويسد:

معمر بن راشد أبو عروة إمام ثقة .

معمر بن راشد أبو عروة او امام و فردي مورد اعتماد بود.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى 748 هـ)، الرواة الثقات المتكلم فيهم بما لا يوجب ردهم، ج 1 ص 166، تحقيق: محمد إبراهيم الموصلي، دار النشر: دار البشائر الإسلامية - بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى 1412هـ - 1992م .

راوي چهارم:

عبد الله بن طاوس بن كيسان

وي علاوه بر آنکه از تابعين مي باشد، از راويان صحاح سته [کتابهاي شش گانه اهل سنت] نیز مي باشد.

ابن حجر پيرامون او مي نويسد:

عبد الله بن طاوس بن كيسان اليماني أبو محمد ثقة فاضل عابد .

عبد الله بن طاوس بن كيسان اليماني أبو محمد فردي مورد اعتماد، صاحب فضل و اهل عبادت بود.

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى 852هـ)، تقريب التهذيب، ج 1 ص 308، تحقيق: محمد عوامة، ناشر: دار الرشيد - سوريا، الطبعة: الأولى، 1406 - 1986.

ابن حجر نیز بعد از ذکر نام عبد الله بن طاوس مي نويسد:

وقال النسائي في الكنى ثقة مأمون وكذا قال الدارقطني في الجرح والتعديل وقال العجلي ثقة وذكره ابن حبان في الثقات.

نسائي در کتاب کُني [کنیه ها] چنین گفته است: [عبدالله بن طاوس] فردي مورد اعتماد و امين بود. دار قطني نیز در کتاب الجرح و التعديل نیز به همین مطلب تصريح مي کند؛ عجلي او را به عنوان فردي مورد اعتماد بر مي شمرد و ابن حبان او را در زمره افراد مورد اعتماد ذکر کرده است.

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى 852هـ)، تهذيب التهذيب، ج 5 ص 234، ناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الأولى، 1404 - 1984 م.

عجلي نیز مي نويسد:

عبد الله بن طاوس بن كيسان اليماني ثقة.

عبد الله بن طاوس بن كيسان اليماني مورد اعتماد بود.

العجلي، أبي الحسن أحمد بن عبد الله بن صالح (متوفى 261هـ)، معرفة الثقات من رجال أهل العلم والحديث ومن الضعفاء وذكر مذاهبهم

وأخبارهم، ج 2 ص 38 ، تحقيق: عبد العليم عبد العظيم البستوي، ناشر: مكتبة الدار - المدينة المنورة - السعودية، الطبعة: الأولى، 1405 - 1985م.

ابن حبان نیز او را در زمره ثقات ذکر می کند:

عبد الله بن طاوس بن كيسان الخولاني.

التميمي البستي، محمد بن حبان بن أحمد ابوحاتم (متوفى 354 هـ)، الثقات، ج 7 ص 4 ، تحقيق: السيد شرف الدين أحمد، ناشر: دار الفكر، الطبعة: الأولى، 1395 هـ - 1975 م.

ذهبی نیز در تاریخ الاسلام تصریح می کند که ائمه اهل سنت او را توثیق کرده اند:

عبد الله بن طاوس بن كيسان أبو محمد اليماني.

قال معمر : كان من أعلم الناس بالعربية وأحسنهم خلقاً ما رأينا ابن فقيه مثله .

قلت : وثقوه .

عبد الله بن طاوس بن كيسان أبو محمد اليماني، معمر در مورد او گفته است: او دانا ترین مردم به عربی و از نظر خلق بسیار خوب و فقیهی مانند او ندیدیم.

من [ذهبی] می گویم: [علماء] او را توثیق کرده اند.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى 748 هـ)، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، ج 8 ص 463 ، تحقيق: د. عمر عبد السلام تدمري، ناشر: دار الكتاب العربي - لبنان/ بيروت، الطبعة: الأولى، 1407 هـ - 1987 م.

ذهبی همچنین در مورد او چنین می نویسد:

طاوس بن كيسان الإمام أبو عبد الرحمن اليماني من أبناء الفرس وقيل اسمه ذكوان فلقب فقال بن معين لأنه كان طاوس القراء عن أبي هريرة وابن عباس وعائشة وعنه الزهري وسليمان التيمي وعبد الله ابنه قال عمرو بن دينار ما رأيت أحدا مثله قط مات بمكة.

طاوس بن كيسان او امام أبو عبد الرحمن اليماني ایرانی بود. گفته شده که اسمش ذکوان و بعدا ملقب به طاوس شد. یحیی بن معین گفت: او احادیث را از ابوهریره و ابن عباس و عایشه می خواند و زهري و سليمان تيمي و فرزندش عبدالله از او روایت نقل نموده اند. عمر بن دینار گفت: هیچ کسی را مانندش ندیدیم. وی در مکه از دنیا رفت.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى 748 هـ)، الكاشف في معرفة من له رواية في الكتب الستة، ج 1 ص 512 ، تحقيق: محمد عوامة، ناشر: دار القبلة للثقافة الإسلامية، مؤسسة علو - جدة، الطبعة: الأولى، 1413 هـ - 1992 م.

ابن حجر عسقلانی نیز می نویسد:

طاوس بن كيسان اليماني أبو عبد الرحمن الحميري مولا هم الفارسي يقال اسمه ذكوان و طاوس لقب ثقة فقيه فاضل من الثالثة.

طاوس بن كيسان اليماني ابو عبد الرحمن حميري، اهل فارس بود و غلام قبيله حمير. گفته شده اسم او ذکوان و لقبش طاوس بوده است. وی فردی مورد اعتماد، فقیه و از افراد فاضل بود و از طبقه سوم راویان است.

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى 852 هـ)، تقريب التهذيب، ج 1 ص 281 ، تحقيق: محمد عوامة، ناشر: دار الرشيد - سوريا، الطبعة: الأولى، 1406 - 1986.

مزی نیز می نویسد:

وَقَالَ إِسْحَاقُ بْنُ مَنْصُورٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ مَعِينٍ ، وَأَبُو زُرْعَةَ : ثِقَّةٌ .

اسحاق بن منصور از يحيي بن معين و ابو زرعه گفته اند: او فردي مورد اطمينان است.

المزي، ابوالحجاج يوسف بن الزكي عبدالرحمن (متوفای 742هـ)، تهذيب الكمال، ج 13 ص 360 ، تحقيق: د. بشار عواد معروف، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى، 1400هـ - 1980م.

ابن حبان نیز وي را جزو ثقات ذکر کرده است:

طاوس بن كيسان اليماني الهمداني .

التميمي البستي، محمد بن حبان بن أحمد ابوحاتم (متوفای 354 هـ)، الثقات، ج 4 ص 391 ، تحقيق: السيد شرف الدين أحمد، ناشر: دار الفكر، الطبعة: الأولى، 1395هـ - 1975م.

راوي پنجم:

عبد الله بن عمرو بن العاص

او یکی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و بنابر مبنای اهل سنت، همه صحابه عادل هستند. علاوه بر این مطلب، وی از راویان صحاح سته نیز می باشد.

ذهبی [از بزرگ ترین علمای اهل سنت] در شرح حال وی چنین می نویسد:

عبد الله بن عمرو بن العاص ... الإمام الحبر العابد صاحب رسول الله صلى الله عليه وسلم .

وله مناقب وفضائل ومقام راسخ في العلم والعمل حمل عن النبي صلى الله عليه وسلم علما جما .

عبد الله بن عمرو بن العاص... امام، دانشمند، اهل عبادت و از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله [و سلم] بود او دارای منقبت و فضایل و مقامی راسخ در علم و عمل بود و از پیامبر صلی الله علیه و آله [و سلم] علم زیادی را کسب کرده بود.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفای 748 هـ)، سير أعلام النبلاء، ج 3 ص 80 ، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: التاسعة، 1413هـ. در نتیجه تمام راویان این روایت بنابر مبانی اهل سنت مورد وثوق بوده و سند آن صحیح است.

روایت دوم:

روایت دومی نیز چنین است و همانند روایت اول سندش معتبر است:

حدثني خلف بن هشام البزاز حدثنا أبو عوانة عن الأعمش عن سالم بن أبي الجعد قال، قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : "

معاوية في تابوت مقل عليه في جهنم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: معاویه در تابوتی قفل شده در جهنم است.

البلاذري، أحمد بن يحيي بن جابر (متوفای 279هـ)، أنساب الأشراف، ج 2 ص 121 ، طبق برنامه الجامع الكبير.

بررسی سند:

راوي اول:

خلف بن هشام بن ثعلب

وي از راويان صحيح مسلم و سنن أبي داود مي باشد.

ابن حجر عسقلاني در مورد او چنين مي نويسد:

خلف بن هشام بن ثعلب ... ثقة.

خلف بن هشام بن ثعلب ... فردي مورد اعتماد است.

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى 852هـ)، تقريب التهذيب، ج 1 ص 194، تحقيق: محمد عوامة، ناشر: دار الرشيد - سوريا، الطبعة: الأولى، 1406 - 1986.

و در تهذيب التهذيب نيز تصريح مي کند که وي از راويان صحيح مسلم و سنن أبي داود است:

م د مسلم وأبي داود، خلف بن هشام بن ثعلب ويقال طالب بن غراب البزاز البغدادي المقرئ.

مسلم و ابي داود: خلف بن هشام بن ثعلب و به او [خلف بن هشام بن] طالب بن غراب بزاز بغدادي مقرئ، نيز مي گویند.

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى 852هـ)، تهذيب التهذيب، ج 3 ص 134، ناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الأولى، 1404 - 1984 م.

مزي نيز از قول نسائي و دارقطني چنين مي نويسد:

وَقَالَ النَّسَائِيُّ : بَغْدَادِي ثَقَّةٌ.

وَقَالَ الدَّارِقُطْنِيُّ : كَانَ عَابِدًا فَاضِلًا .

نسائي گفته است: او اهل بغداد و مورد اعتماد بود.

دارقطني گفته است: او فردي اهل عبادت و داراي فضليت بود.

المزي، ابوالحجاج يوسف بن الزكي عبدالرحمن (متوفى 742هـ)، تهذيب الكمال، ج 8 ص 302، تحقيق: د. بشار عواد معروف، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى، 1400هـ - 1980م.

ابن الجوزي نيز چنين مي نويسد:

خلف بن هشام بن ثعلب ويقال خلف بن هشام بن طالب بن غراب أبو محمد البزاز المقرئ ... وكان ثقة فاضلا عابدا.

خلف بن هشام بن ثعلب؛ به او خلف بن هشام بن طالب بن غراب ابو محمد بزاز مقرئ ... نيز گفته مي شود. او فردي مورد

اعتماد و داراي فضليت و اهل عبادت بود.

ابن الجوزي الحنبلي، جمال الدين ابوالفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد (متوفى 597 هـ)، المنتظم في تاريخ الملوك والأمم، ج 11 ص 145، ناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: الأولى، 1358.

ابن مفلح نيز مي نويسد:

وقال يحيى بن معين أنه الصدوق الثقة وقال الدارقطني كان عابدا فاضلا .

يحيى بن معين گفته است: او فردي راستگو و مورد اعتماد بود. دارقطني گفته است: او فردي اهل عبادت و داراي فضل بود.

الإمام برهان الدين إبراهيم بن محمد بن عبد الله بن محمد بن مفلح (متوفى 884هـ)، المقصد الأرشد في ذكر أصحاب الإمام أحمد، ج 1 ص 378، تحقيق: د عبد الرحمن بن سليمان العثيمين، دار النشر: مكتبة الرشد - الرياض - السعودية، الطبعة: الأولى 1410هـ - 1990 م .

راوي دوم:

وضاح بن عبد الله

وي از ناقلان حديث صحاح سته [كتابهاي شش گانه اصلي اهل سنت] مي باشد.

ذهبي پيرامون وي مي نويسد:

وضاح بن عبد الله الحافظ... ثقة متقن.

وضاح بن عبد الله او حافظ حديث [صد هزار حديث حفظ] بود و مورد اعتماد و فردي و فردي متقن [در نقل حديث دقيق] بود.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى 748 هـ)، الكاشف في معرفة من له رواية في الكتب الستة، ج 2 ص 349، تحقيق: محمد عوامة، ناشر: دار القبلة للثقافة الإسلامية، مؤسسة علو - جدة، الطبعة: الأولى، 1413 هـ - 1992 م. ذهبي در جاي ديگر مي نويسد:

وضاح بن عبد الله أبو عوانة ثقة حجة.

وضاح بن عبد الله أبو عوانة او فردي مورد اعتماد و حجت است.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى 748 هـ)، المغني في الضعفاء، ج 2 ص 720، تحقيق: الدكتور نور الدين عتر.

ابن حجر عسقلاني نيز مي نويسد:

ع الستة الوضاح بن عبد الله اليشكري.

وقال أبو زرعة ثقة.

وقال بن سعد كان ثقة صدوقاً.

وضاح بن عبد الله يشكري، از راويان صحاح شش گانه اهل سنت است. ابوزرعه وي را فردي مورد اعتماد مي شمارد. ابن سعد نيز گفته است: او فردي مورد اعتماد و راستگو بود.

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى 852 هـ)، تهذيب التهذيب، ج 11 ص 103، ناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الأولى، 1404 - 1984 م.

مزي نيز در تهذيب الكمال چنين مي نويسد:

قال أبو حاتم الرازي: سمعت هشام بن عبيد الله الرازي يقول: سألت ابن المبارك: من أروى الناس وأحسن الناس حديثاً.

ابو حاتم رازي گفته است: از هشام بن عبيد رازي شنيدم كه مي گفت: از ابن المبارك سوال كردم [پاسخ داد]: وي از كساني بود كه بسيار روايت نقل مي كرد و از نيكو ترين محدثان بود.

المزي، ابوالحجاج يوسف بن الزكي عبدالرحمن (متوفى 742 هـ)، تهذيب الكمال، ج 30 ص 445، تحقيق: د. بشار عواد معروف، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى، 1400 هـ - 1980 م.

راوي سوم:

سليمان بن مهران (اعمش)

وي نیز از راویان صحاح سته مي باشد.

عجلي در مورد او چنين مي نويسد:

سليمان بن مهران الأعمش يكنى أبا محمد ثقة كوفي وكان محدث أهل الكوفة في زمانه.

سليمان بن مهران اعمش كنيه اش ابا محمد است، او اهل كوفه و فردي مورد اعتماد بود و در زمان خودش محدث اهالي كوفه بود.

العجلي، أبي الحسن أحمد بن عبد الله بن صالح (متوفى 261هـ)، معرفة الثقات من رجال أهل العلم والحديث ومن الضعفاء وذكر مذاهبهم وأخبارهم، ج 1 ص 432، تحقيق: عبد العليم عبد العظيم البستوي، ناشر: مكتبة الدار - المدينة المنورة - السعودية، الطبعة: الأولى، 1405 - 1985م.

ابن ابي حاتم از قول يحيي بن معين چنين مي نويسد:

عن يحيي بن معين انه قال سليمان بن مهران الأعمش ثقة .

از يحيي بن معين نقل است كه گفت: سليمان بن مهران اعمش فردي مورد اعتماد است.

ابن أبي حاتم الرازي التميمي، ج 4 ص 146، ابو محمد عبد الرحمن بن أبي حاتم محمد بن إدريس (متوفى 327هـ)، الجرح والتعديل، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الأولى، 1271هـ - 1952م.

ابن حجر عسقلاني نیز مي نويسد:

سليمان بن مهران الأسدي الكاهلي أبو محمد الكوفي الأعمش ثقة حافظ.

سليمان بن مهران اسدي كاهلي ابو محمد كوفي اعمش فردي مورد اعتماد و حافظ حديث است.

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى 852هـ)، تقريب التهذيب، ج 1 ص 254، تحقيق: محمد عوامة، ناشر: دار الرشيد - سوريا، الطبعة: الأولى، 1406 - 1986.

ابن حجر در لسان الميزان چنين مي نويسد:

سليمان بن مهران الأسدي الكاهلي مولا هم أبو محمد الكوفي الأعمش أحد الاعلام الحفاظ والقراء.

سليمان بن مهران الأسدي الكاهلي غلام قبيله كاهلي ابو محمد كوفي اعمش، يكي از بزرگان حافظان و قرائت كنندگان حديث بود.

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى 852هـ)، لسان الميزان، ج 7 ص 238، تحقيق: دائرة المعارف النظامية - الهند، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت، الطبعة: الثالثة، 1406هـ - 1986م.

ذهبي در مورد او چنين مي نويسد:

سليمان بن مهران الحافظ أبو محمد الكاهلي الأعمش أحد الاعلام.

سليمان بن مهران ابو محمد كاهلي اعمش، حافظ حديث و يكي از بزرگان بود.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى 748هـ)، الكاشف في معرفة من له رواية في الكتب الستة، ج 1 ص 464، تحقيق: محمد عوامة، ناشر: دار القبلة للثقافة الإسلامية، مؤسسة علو - جدة، الطبعة: الأولى، 1413هـ - 1992م.

وي همچنين در تذكرة الحفاظ چنين مي نويسد:

ع الأعمش الحافظ الثقة شيخ الإسلام أبو محمد سليمان بن مهران الأسدي الكاهلي.

راوي صحاح سته، اعمش ابو محمد سليمان بن مهران الأسدي الكاهلي، فردي حافظ حديث، مورد اعتماد و شيخ الاسلام مي باشد.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى 748 هـ)، تذكرة الحفاظ، ج 1 ص 154، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى.

همچنين ذهبي مي نويسد:

ع سليمان بن مهران الأعمش ثقة جبل.

راوي صحاح سته، اعمش فردي مورد اعتماد و كوه [علم] بود.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى 748 هـ)، المغني في الضعفاء، ج 1 ص 283، تحقيق: الدكتور نور الدين عتر.

ابن خلكان در مورد وي مي نويسد:

أبو محمد سليمان بن مهران مولى بني كاهل من ولد أسد المعروف بالأعمش الكوفي الإمام المشهور كان ثقة عالما فاضلا.

أبو محمد سليمان بن مهران مولى غلام بني كاهل از فرزندان ساد كه به اعمش معروف بود، اهل كوفه، پيشوايي مشهور، فردي مورد اعتماد و عالم و صاحب فضليت بود.

إبن خلكان، ابوالعباس شمس الدين أحمد بن محمد بن أبي بكر (متوفى 681 هـ)، وفيات الأعيان و انباء أبناء الزمان، ج 2 ص 400، تحقيق احسان عباس، ناشر: دار الثقافة - لبنان.

ابي الفرج در مورد او چنين مي نويسد:

سليمان بن مهران الأعمش الأسدي

يكنى أبا محمد مولى لبني كاهل عن عيسى بن يونس قال ما رأينا في زماننا مثل الأعمش .

إبراهيم بن عرعره قال سمعت يحيى القطان إذا ذكر الأعمش قال كان من النساك وكان محافظا على الصلاة في الجماعة وعلى الصف الأول قال يحيى وهو علامة الإسلام .

كنيه او ابا محمد آزاد شده بني كاهل بود و از عيسي بن يونس نقل است كه گفت: در زمان ما كسي را مانند اعمش نديديم. ابراهيم بن عرعره مي گويد از يحيي بن قطان شنيدم هنگامي كه نزد او از اعمش ياد شد و نامش به ميان آمد، گفت: او فردي پرهيزگار و از كساني بود كه بر نماز جماعت و صف اول نماز محافظت داشت و يحيي گفت: او علامه اسلام بود.

صفة الصفوة ، ج 3 ص 117، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن علي بن محمد أبو الفرج ، دار النشر : دار المعرفة - بيروت - 1399 - 1979 ، الطبعة : الثانية ، تحقيق : محمود فاخوري - د. محمد رواس قلعه جي.

راوي چهارم:

سالم بن رافع

او از تابعين است و از راويان حديث در كتابهاي شش گانه اهل سنت مي باشد.

ذهبي در مورد او مي نويسد:

سالم بن أبي الجعد الأشجعي مولاهم الكوفي عن عمر وعائشة وهو مرسل وعن بن عمر وابن عباس وعنه منصور والأعمش توفي سنة مائة ثقة ع.

سالم بن أبي الجعد الأشجعي غلام اشجعي، از اهالي كوفه و روايات او از عمر و عايشه مرسل بوده و از و ابن عمر و ابن عباس روايت دارد و منصور و اعمش نيز از او روايت نقل کرده اند. وي در سال 100 از دنيا رفت. او فردي مورد اعتماد و از راويان صحاح سته [كتب شش گانه حديث اهل سنت] بود.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى 748 هـ)، الكاشف في معرفة من له رواية في الكتب الستة، ج 1 ص 422، تحقيق: محمد عوامة، ناشر: دار القبلة للثقافة الإسلامية، مؤسسة علو - جدة، الطبعة: الأولى، 1413 هـ - 1992 م. وي همچنين در سير أعلام النبلاء جنين مي نويسد:

سالم بن أبي الجعد الأشجعي الغطفاني مولاهم الكوفي الفقيه أحد الثقات.

سالم بن أبي الجعد الأشجعي غلام غطفاني، از اهالي كوفه فردي فقيه و يكي از افراد مورد اعتماد بود.

الذهبي الشافعي، شمس الدين ابو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى 748 هـ)، سير أعلام النبلاء، ج 5 ص 108، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: التاسعة، 1413 هـ. ابن كثير در مورد او جنين مي نويسد:

(سالم بن أبي الجعد الأشجعي) مولاهم الكوفي أخو زياد وعبد الله وعبيد الله وعمران ومسلم وهو تابعي جليل روى عن ثوبان وجابر وعبد الله بن عمر وعبد الله بن عمرو والنعمان ابن بشير وغيرهم وعنه قتادة والأعمش وآخرون وكان ثقة نبيلًا جليلاً.

سالم بن أبي الجعد الأشجعي غلام اشجعي، از اهالي كوفه برادر زياد و عبدالله و عبيدالله و عمران و مسلم، او تابعي و با جلالت بود. از ثوبان و جابر و عبدالله بن عمر و عبدالله بن عمرو و نعمان بن بشير و غير او روايت نقل کرده است و از شاگردان او قتاده و اعمش و ديگران مي باشند و او فردي مورد اعتماد و با فضيلت و با جلالت بود.

ابن كثير الدمشقي، ابوالفداء إسماعيل بن عمر القرشي (متوفى 774 هـ)، البداية والنهاية، ج 9 ص 190، ناشر: مكتبة المعارف - بيروت. ابن حجر در مورد او جنين مي نويسد:

سالم بن أبي الجعد رافع الغطفاني الأشجعي مولاهم الكوفي ثقة.

سالم بن أبي الجعد رافع غطفاني اشجعي، آزاد شده قبيله اشجع بود، از اهالي كوفه و فردي مورد اعتماد است.

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى 852 هـ)، تقريب التهذيب، ج 1 ص 226، تحقيق: محمد عوامة، ناشر: دار الرشيد - سوريا، الطبعة: الأولى، 1406 - 1986. وي همچنين مي نويسد:

ع الستة سالم بن أبي الجعد رافع الأشجعي... قال بن معين وأبو زرعة والنسائي ثقة... وكذا قال بن حبان في الثقات وقال بن سعد كان ثقة كثير الحديث...

از راويان صحاح سته [كتب شش گانه اهل سنت] سالم بن أبي الجعد رافع اشجعي... ابن معين و ابو زرعه و نسائي گفته اند كه او مورد اعتماد بود. و همچنين ابن حبان او در كتاب الثقات نام او را ذكر کرده و ابن سعد گفته است: او فردي مورد اطمینان بود و بسيار حديث نقل می کرد.

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفى 852 هـ)، تهذيب التهذيب، ج 3 ص 373، ناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة:

عجلي در مورد او چنین می نویسد:

سالم بن أبي الجعد الغطفاني كوفي تابعي ثقة.

سالم بن أبي الجعد الغطفاني، از اهالی کوفه، و از تابعین به شمار می رود و مورد اعتماد است.

العجلي، أبي الحسن أحمد بن عبد الله بن صالح (متوفای 261هـ)، معرفة الثقات من رجال أهل العلم والحديث ومن الضعفاء وذكر مذاهبهم وأخبارهم، ج 1 ص 382، تحقیق: عبد العليم عبد العظيم البستوي، ناشر: مكتبة الدار - المدينة المنورة - السعودية، الطبعة: الأولى، 1405 - 1985 م.

ابن حجر نیز می نویسد:

سالم بن أبي الجعد أحد ثقات التابعين.

سالم بن أبي الجعد یکی از افراد مورد اعتماد و از تابعین بود.

العسقلاني الشافعي، أحمد بن علي بن حجر ابوالفضل (متوفای 852هـ)، الإصابة في تمييز الصحابة، ج 3 ص 274، تحقیق: علي محمد البجاوي، ناشر: دار الجيل - بيروت، الطبعة: الأولى، 1412هـ - 1992 م.

آیا نقل تابعی از رسول خدا صلی الله علیه وآله مورد قبول است؟!

وي هر چند از تابعین می باشد و تابعی نمی تواند مستقیم از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل روایت کند، ولی باید مد نظر داشت علمای اهل سنت، روایات مرسل تابعین را قبول دارند.

حجیت مرسلات تابعین:

در این مجال به ذکر برخی از نظرات علمای اهل سنت پیرامون حجیت روایات مرسل تابعین می پردازیم:

۱. ابن بهادر

ابن بهادر از قول قاضی ابوبکر چنین نقل می کند:

لكن قال القاضي أبو بكر في التقريب الجمهور على قبول المرسل ووجوب العمل به إذا كان المرسل ثقة عدلا وهو قول مالك وأهل المدينة وأبي حنيفة وأهل العراق.

قاضی ابوبکر در تقریب گفته است: جمهور علما [اکثر علما] قول مرسل را قبول دارند و وقتی فردی که روایت مرسل نقل می کند، شخصی مورد وثوق و عادل باشد، اکثریت علما عمل به آن روایت را واجب می دانند. این قول مالک و علمای مدینه و ابوحنیفه و علمای عراق است.

بدر الدين أبي عبد الله محمد بن جمال الدين عبد الله بن بهادر (متوفای 794هـ)، النکت علی مقدمة ابن الصلاح، ج 1 ص 491، تحقیق: د. زین العابدین بن محمد بلا فریح، دار النشر: أضواء السلف - الرياض، الطبعة: الأولى 1419هـ - 1998 م

۲. ملا علی قاری

ملا علی قاری پیرامون قبول مرسلات تابعین از قول جمهور چنین می نویسد:

وأيضاً مراسيل الصحابة معتبرة إجماعاً بخلاف مرسل التابعي فإنه حجة عند الجمهور خلافاً للشافعي . ولا بد في كونه حجة أقله أن يكون إسناده حسناً.

بنابر اجماع علما، روایات مرسل صحابه حجت است بر خلاف مرسل تابعي، چرا که مرسلات تابعين نزد جمهور [علماء] بجز شافعي، مورد قبول است. و حداقل چیزی که می تواند پیرامون حجت بودن [مرسلات تابعين] بیان کرد، این است سند چنین روایتی، حسن [یکی از اقسام حدیث معتبر] می شود.

ملا علي القاري، نور الدين أبو الحسن علي بن سلطان محمد الهروي (متوفای 1014هـ)، مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، ج 6 ص 134 ، تحقيق: جمال عيتاني، ناشر: دار الكتب العلمية - لبنان/ بيروت، الطبعة: الأولى، 1422هـ - 2001م .
در جایی دیگر چنین می نویسد:

مرسل التابعي حجة عند الجمهور .

مرسل تابعي نزد جمهور [علماء اهل سنت] حجت است.

ملا علي القاري، نور الدين أبو الحسن علي بن سلطان محمد الهروي (متوفای 1014هـ)، مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، ج 9 ص 434 ، تحقيق: جمال عيتاني، ناشر: دار الكتب العلمية - لبنان/ بيروت، الطبعة: الأولى، 1422هـ - 2001م .
وي همچنین بعد از اشاره به قبول اجماعی مرسلات صحابه، در مورد مرسلات تابعين نیز چنین می نویسد:

إذ مراسيل الصحابة حجة مقبولة اتفاقاً بخلاف مراسيل التابعين فإنها معتبرة عند الجمهور.

مرسلات صحابه اجماعاً حجت و قابل قبول بوده بر خلاف مرسلات تابعين که نزد جمهور معتبر است.

ملا علي القاري، نور الدين أبو الحسن علي بن سلطان محمد الهروي (متوفای 1014هـ)، مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، ج 8 ص 368 ، تحقيق: جمال عيتاني، ناشر: دار الكتب العلمية - لبنان/ بيروت، الطبعة: الأولى، 1422هـ - 2001م .

۳. ابوبکر سرخسي

سرخسي از علمای حنفي مذهب اهل سنت در مورد حجت مرسلات قرن دوم و سوم يعني قرن تابعين و تبع تابعين چنین می نویسد:

فأما مراسيل القرن الثاني والثالث حجة في قول علمائنا رحمهم الله .

و اما مرسلات قرن دوم و سوم [يعني مرسلات تابعين و تابعين تابعين] در کلام علمای ما حجت [و قابل استدلال] است.

السرخسي الحنفي، شمس الدين ابوبکر محمد بن احمد بن أبي سهل (متوفای 483هـ)، أصول السرخسي، ج 1 ص 360، ناشر: دار المعرفة - بيروت.

۴. ابو سعيد علائي

وي نیز ضمن نقل نظرات مختلف علمای اهل سنت در بحث قبول مرسلات تابعين چنین می نویسد:

أما القائلون بقبول مراسيل التابعين وأتباعهم دون أهل القرن الرابع وهو ما حكاه جماعة من الأصوليين عن عيسى بن أبان ولم يحكه أبو بكر الرازي إلا عن بعض شيوخهم والذي حكاه عن ابن أبان أنه قال من أرسل من أهل زماننا حديثاً عن النبي صلى الله عليه وسلم فإن كان من أئمة الدين وقد نقله عن أهل العلم فإن مرسله مقبول كما يقبل مسنده.

و اما کسانی که قائل به قبول قول مرسلات تابعين و تابعين تابعين قبل از قرن چهارم هستند، آنچه می گوید است که عده ای از علمای علم اصول به نقل از عیسی بن ابان و ابوبکر رازی نیز [همین کلام را] از بعضی از اساتید آنان نقل کرده اند که اگر

کسی در زمان ما حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله [و سلم نقل کند و از ائمه دین باشد و نقلش از اهل علم باشد، حدیث مرسلش مانند حدیث مسندش قبول است.

کیکلدی أبو سعید العلاءي، أبو سعید بن خلیل، جامع التحصیل فی أحكام المراسیل، ج 1 ص 83، الوفاة: 761، تحقیق: حمدي عبدالمجيد السلفي، دار النشر: عالم الكتب - بيروت - 1407 - 1986، الطبعة: الثانية،

5. مولوي محمد عمر سربازي

وي از علمای بزرگ معاصر منطقه بلوچستان نیز در باب حجیت قول مرسل چنین می نویسد:

بیان حجیة المرسل

در موضوع انکار حجیة المرسل از ائمه اربعه فقط امام شافعی رحمه الله منفرد است و از امام احمد رحمه الله نیز اگر چه قول انکار موجود است اما قول راجحش حجیت مرسل است. ابوداود از ابن جریر نقل کرده اند: قبل از امام شافعی، سلف، بر حجیت مرسل اجماع داشته اند.

سربازي، محمد عمر، فتاوی منبغ العلوم کوه ون، ج 5 ص 33، مدرسه دینی منبغ العلوم کوه ون، سرباز، چاپ اول، زمستان 1384 شمسی. بنابراین با اینکه این روایت مرسل است اما از نظر علمای اهل سنت، معتبر است.

نتیجه:

سند هر دو روایت فوق معتبر می باشد و هیچ اشکالی وارد نیست و این کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله ثابت می باشد.

موفق باتتید

کروه پاسخ به تنبهاات

مهمسه تحقیقاتی حضرت هلی عصر عجل الله تعالی فرجه التشریف